

یربعام دوم
پادشاه می‌شود؛
یونس به نبوت
مبعوث می‌شود
(۷۹۳ق.م.)
عزیا
پادشاه
یهودا
می‌شود
(۷۹۲)

شلمناسر چهارم
پادشاه آشور
می‌شود
(۷۸۳)

آشور-دان
سوم پادشاه
آشور
می‌شود
(۷۷۲)

آمار حیاتی:

هدف:

نشان دادن گستره فیض خدا؛ پیام
رستگاری از آن همه انسانها است
نویسنده:

یونس، پسر امیتای

مخاطبین:

مردم اسرائیل و قوم خدا در همه جا

تاریخ نگارش:

حدود ۷۸۵ تا ۷۶۰ ق.م.

محل وقوع رویدادها:

یونس پیش از عاموس و در

دوره یربعام دوم، قدرتمندترین

پادشاه اسرائیل می‌زیست

(۷۹۳ تا ۷۵۳ ق.م؛ ر.ش.

۲ پادشاهان ۲۳:۱۴-۲۵). آشور

بزرگترین دشمن اسرائیل بود و

این سرزمین را در سال ۷۲۲ ق.م.

به تصرف در آورد. توبه نینوا

نباید چندان دوام آورده باشد.

آیه کلیدی:

«آیا دل من برای شهر بزرگ

نینوا نسوزد که در آن بیش

از صد و بیست هزار نفر بچه

معصوم و بی‌گناه و نیز حیوانات

بسیار وجود دارد؟» (۱۱:۴)

شخصیت‌های مهم:

یونس، ناخدای کشتی و خدمه آن

مکان‌های مهم:

یافا، نینوا

جنبه‌های خاص:

این کتاب با سایر کتاب‌های

نبوتی تفاوت دارد زیرا به شرح

ماجرای زندگی نبی می‌پردازد

و بر پیشگویی‌ها و پیام‌های او

متمرکز نیست. در واقع، پیام او

به مردم نینوا فقط در یک آیه



گناه جامعه را فرا گرفته است؛ تیرهای اصلی روزنامه‌ها
و تعداد زندانیان شاهدهی است بر این واقعیت. آزار
کودکان و تجاوز به آنها، صُور قبیحه، قتل‌های زنجیره‌ای،
تروریزم، هرج و مرج، و دیکتاتوری بی‌رحمانه، همه
گواهی می‌دهند که دنیای ما آکنده از خشونت و نفرت
و فساد است. وقتی این فجایع را می‌خوانیم یا می‌شنویم
یا حتی تجربه می‌کنیم، آنگاه شروع به درک این نکته
می‌نماییم که داوری الهی چقدر ضروری است. حتی
شاید آرزو کنیم که کاش می‌توانستیم خودمان از جنایت‌کاران انتقام بکشیم. ما ایشان
را غیر قابل اصلاح می‌انگاریم! اما فرض کنید که در بحبوحه چنین افکاری، خدا از
شما بخواهد که پیام انجیل را نزد بدترین این جنایت‌کاران ببرید؛ چه احساسی به شما
دست خواهد داد؟

یونس چنین وظیفه‌ای را از خدا دریافت داشت. آشور، این حکومت بزرگ اما شریر،
مخوف‌ترین دشمن اسرائیل بود. آشوری‌ها با اعمال بی‌رحمانه‌شان، قدرت خود را به
رخ خدا و مردم می‌کشیدند. از این رو، هنگامی که یونس صدای خدا را شنید که او
را فرا می‌خواند تا به سرزمین آشور برود و مردم را به توبه فرا خواند، درست در مسیر
مخالف آن فرار کرد.

کتاب یونس ماجرای فرار این نبی را بازگو می‌کند و اینکه خدا چگونه راه را بر او
بست و او را باز گرداند. کتاب یونس فقط ماجرای یک مرد و یک ماهی بزرگ
نیست، بلکه بیانگر حکایت ژرف رحمت و فیض خدا است. مردم نینوا، پایتخت
آشور، کمتر از هر کس دیگری شایسته دریافت لطف الهی بودند. یونس نیز این
را می‌دانست. اما می‌دانست که اگر از گناهان خود باز گردند و خدا را عبادت
کنند، او ایشان را بخشیده، مورد برکت قرار خواهد داد. درضمن، قدرت پیام خدا
را می‌شناخت، و می‌دانست که حتی از طریق موعظه ضعیف او، ایشان می‌توانستند
توبه کنند و از داوری خدا رهایی یابند. اما یونس از آشوریان نفرت داشت؛ او طالب
انتقام بود، نه رحمت؛ از این رو راه گریز را در پیش گرفت. سرانجام یونس اطاعت
کرد و پیام خدا را در کوزه‌های نینوا اعلام داشت و مردم توبه کردند و از داوری
خدا رهایی یافتند. این امر یونس را خوش نیامد و نزد خدا لب به شکایت گشود و
گفت: «می‌دانستم که... تو خدایی مهربان و بخشنده هستی و دیر غضبناک می‌شوی
و بسیار احسان می‌کنی» (۲:۴). خدا ارزشهای خودمحرانه یونس و سنگدلی او را
تویخ کرد و فرمود: «آیا دل من برای شهر بزرگ نینوا نسوزد که در آن بیش از
صد و بیست هزار نفر بچه معصوم و بی‌گناه و نیز حیوانات بسیار وجود دارد؟»
(۱۱:۴).

به‌هنگام مطالعه کتاب یونس، به محبت و شفقت عظیم خدا دقت کنید و بدانید که
هیچکس از حیطة رستگاری او خارج نیست. انجیل برای همه آنانی است که توبه
کرده، ایمان می‌آورند. شروع کنید به دعا کردن برای کسانی که به‌نظر می‌رسند از
ملکوت خدا از همه دورترند، و در جستجوی راههایی باشید که در باره خدا با آنان

اسرائیل
به دست آشور
سقوط می کند
(۷۲۲)

آشور-نیراری
پنجم پادشاه
آشور می شود
(۷۵۴)
خدمت
یونس
پایان
می یابد
(۷۵۳)

عاموس
به نبوت
مبعوث
می شود
(۷۶۰)
یونس
در نینوا
موعظه
می کند
(۴۷۵۹)

سخن گویند. از ماجرای این نبی بی میل به خدمت، درس عبرت بگیرید و مصمم به اطاعت از خدا شوید؛ هر چه او می گوید بکنید و هر جا او می گوید بروید.

خلاصه شده است (۴:۳). یونس یک روایت تاریخی است. عیسی نیز به آن به عنوان تصویری از مرگ و قیام خود اشاره فرمود (متی ۱۲:۳۸-۴۲).

تقسیم بندی کلی:

یونس نبی بی میلی بود که رسالتی دریافت داشت که برایش ناخوشایند بود. او بر آن شد که به جای اطاعت از خدا، از او بگریزد. ما نیز ممکن است مانند یونس لازم باشد کارهایی انجام دهیم که مایل به انجامش نیستیم. گاه احساس می کنیم که دوست داریم بر گردیم و میدان را خالی کنیم. اما به جای سرپیچی از خدا و گریز از او، بهتر است از او اطاعت نماییم. اغلب، با وجود نافرمانی مان، خدا از روی رحمت خود فرصت دیگری به ما عطا می کند تا به هنگام بازگشتمان، او را خدمت نماییم.

۱- یونس رسالت خود را رها می کند

(۱:۱ - ۱:۲)

۲- یونس رسالت خود را به انجام می رساند

(۱:۳ - ۱:۴)

موضوع‌های مهم

موضوع

اهمیت موضوع	توضیحات	حاکمیت خدا
<p>به جای گریز از خدا، گذشته و حال و آینده خود را به او بسپارید. پاسخ منفی به خدا ممکن است عواقب ویرانگری داشته باشد. اما پاسخ مثبت منجر به درکی جدید از خدا و هدفش برای جهان می‌گردد.</p>	<p>یونس گرچه کوشید از خدا بگریزد، اما خدا بر اوضاع تسلط داشت. خدا با احاطه‌ای که بر طوفان دریا و ماهی بزرگ اعمال کرد، هدایت مطلق اما پرمهر خود را نشان داد.</p>	<p>پیام خدا برای تمام جهان</p>
<p>خدا می‌خواهد که قومش محبت او را در زبان و در عمل به جهانیان اعلام دارند. او می‌خواهد که ما هر جا که هستیم و هر جا که ما را می‌فرستد، مبشران او باشیم.</p>	<p>خدا برای یونس هدفی تعیین کرده بود و آن اینکه پیام او را به شهر بزرگ نینوا در آشور اعلام نماید. اما یونس از نینوا نفرت داشت، از اینرو واکنشی از روی خشم و بی‌تفاوتی نشان داد. او هنوز لازم داشت بیاموزد که خدا همه انسانها را دوست دارد. خدا به واسطه یونس هدف تبشیری قوم اسرائیل را به ایشان یادآور شد.</p>	<p>توبه</p>
<p>ظاهرسازی و خودنمایی مورد پسند خدا نیست. او خواهان سرسپردگی صادقانه تک‌تک انسانها است. کافی نیست که در امتیازات مسیحیت شریک گردیم، بلکه باید از خدا طلب بخشش کنیم و بخواهیم گناهانمان را از ما دور سازد. سر باز زدن از توبه در حکم دوست داشتن گناه است.</p>	<p>هنگامی که نبی بی‌میل به نینوا رفت، با واکنش حیرت‌انگیزی روبرو شد. مردم توبه کردند و به سوی خدا باز گشتند. این شماتتی تکان‌دهنده برای مردم اسرائیل بود که خود را از دیگران بهتر می‌دانستند، اما حاضر نبودند پیام خدا را بپذیرند. خدا همه آنانی را که از گناهانشان دست بشویند، خواهد بخشود.</p>	<p>شفقت خدا</p>
<p>خدا ما را دوست دارد، حتی زمانی که به او بی‌وفایی می‌کنیم. اما او سایر انسانها را نیز دوست دارد، آنان را که از گروه و فرهنگ و نژاد و کلیسای ما نیستند. وقتی محبت او را می‌پذیریم، باید بیاموزیم که همه آنانی را که او دست می‌دارد، بپذیریم. اگر خدا را دوست بداریم، خواهیم دید که دوست داشتن دیگران آسانتر می‌گردد.</p>	<p>پیام خدا در خصوص محبت و بخشایشش فقط مختص یهودیان نبود. خدا همه مردم جهان را دوست می‌دارد. آشوری‌ها شایسته بخشایش الهی نبودند، اما چون توبه کردند، خدا رهایی‌شان داد. خدا از سر رحمت خود، یونس را به خاطر عدم انجام رسالتش رد نکرد. خدا بس رحیم و بردبار و بخشاینده است.</p>	

۱- یونس رسالت خود را رها می کند یونس از خدا می گریزد

خداوند این پیغام را برای یونس پسر امیتای فرستاد:

«به شهر بزرگ نینوا برو و به اهالی آنجا بگو که خداوند می فرماید: شرارت شما از نظر من مخفی نیست و من بزودی شما را نابود خواهم کرد.»
اولی یونس که نمی خواست به نینوا برود تصمیم گرفت از حضور خداوند به ترشیش فرار کند. او به بندر یافا رفت و در آنجا کشتی ای دید که عازم ترشیش بود. یونس کرایه خود را پرداخت و سوار کشتی شد.

۱:۱
پاد ۲: ۲۵:۱۴
متی ۳۹:۱۲-۴۱
لو ۱۱:۲۹، ۳۰:۳۲
۲:۱
پاد ۲: ۳۶:۱۹
یونس ۳:۳
۳:۱
پیدا ۳: ۸:۳؛ ۴: ۱۶:۴
۲: ۱۶:۲؛ ۹: ۲۱:۹
اش ۲۳:۶
اعما ۹:۳۶

نینوا مهم ترین شهر آشور بود و مدتی پس از این زمان، تبدیل به پایتخت امپراطوری عظیم آشور می شد. اما نینوا شهری فاسد و منحط بود.

یونس که از آشوری های قدرتمند و ستمکش نفرت داشت، از سوی خدا مأموریت یافت تا به آنان هشدار دهد که اگر توبه نکنند، مورد مجازات قرار خواهند گرفت.

یونس مایل نبود به نینوا برود، لذا کوشید تا از دست خدا فرار کند. اما خدا راههایی دارد تا به ما بیاموزد که از او اطاعت و پیروی کنیم. هنگامی که یونس در نینوا موعظه کرد، مردم شهر توبه کردند و خدا نیز داوری خود را متوقف ساخت. بدکارترین افراد نیز اگر از گناهان خود توبه کنند و روی به سوی خدا آورند، رستگار خواهند شد.

یوئیل (۸۵۳ تا ۷۹۶ ق.م.؟)
عاموس (۷۶۰ تا ۷۵۰ ق.م.)

جو حاکم

یونس
یونس از ۷۹۳ تا ۷۵۳ ق.م. به عنوان نبی به اسرائیل و آشور خدمت کرد.

پیغام اصلی

اهمیت پیغام

انبیای معاصر

۳:۱ نینوا شهری قدرتمند و فاسد بود. یونس از کودکی، نفرت از آشوری ها و ترس از توحش آنان را آموخته بود. نفرت او چنان نیرومند بود که مایل نبود ایشان از رحمت خدا بهره مند گردند. به عبارت دیگر، او می ترسید که مبدا مردم نینوا توبه کنند (۲:۴). تفکر یونس نمونه ای است از حالت مردم اسرائیل که مایل نبودند محبت و رحمت خدا را با سایر ملت ها تقسیم کنند، گرچه این امر دقیقاً رسالت خدادادی ایشان بود (پیدایش ۳:۱۲). مردم اسرائیل همانند یونس، مایل نبودند غیر یهودیان (امت ها) مشمول لطف خدا گردند.

۳:۱ یونس بیناک بود. او می دانست که خدا وظیفه ای خاص برای او در نظر دارد، اما او مایل نبود آن را به انجام برساند. هنگامی که خدا از طریق کلامش ما را هدایت می کند، گاه از ترس فرار می کنیم یا این تصور که آنچه خدا از ما می خواهد، فراتر از توان ما است. ترس باعث فرار یونس شد. اما فراژ مشکلات بیشتری برای او فراهم آورد. سرانجام پی برد که بهترین کار این است که آنچه را که خدا از آغاز خواسته بود، انجام دهد. اما او برای رسیدن به این نتیجه بهای سنگینی پرداخت. خیلی بهتر است که انسان از همان ابتدا از خدا اطاعت کند.

۱:۱ در دوم پادشاهان ۲۵:۱۴ از یونس نام برده شده است. او در دوران سلطنت یربعام دوم که از ۷۹۳ تا ۷۵۳ ق.م. پادشاه اسرائیل بود، نبوت می کرد. شاید او یکی از انبیای جوان از مکتبی باشد که در طول خدمت الیشع وجود داشته است (۲ پادشاهان ۳:۲).

خدا یونس را فرا خواند تا در نینوا موعظه کند؛ نینوا مهم ترین شهر آشور بود، حکومتی که می رفت تا تبدیل به قدرتی جهانی گردد. پنجاه سال پس از این زمان، نینوا پایتخت امپراطوری عظیم آشور می شد. یونس در باره شرارت نینوا چیز زیادی نمی گوید، اما ناحوم نبی آگاهی بیشتری در این زمینه در اختیار ما می گذارد. طبق نوشته او، خطاهای نینوا اینها بود: (۱) توطئه علیه خدا (ناحوم ۱: ۹ و ۱۰)؛ (۲) ستم به بینوایان (ناحوم ۲: ۱۲)؛ (۳) خشونت در جنگ (ناحوم ۲: ۱۳ و ۱۴)؛ (۴) بت پرستی (ناحوم ۲: ۴)؛ و (۵) فحشا و جادوگری (ناحوم ۲: ۴). خدا به یونس فرمود که به نینوا، واقع در ۸۰۰ کیلومتری شمال شرقی اسرائیل برود، و داوری خدا را به مردم آن اعلام نماید و بگوید که اگر توبه کنند، مشمول رحمت خدا خواهند گشت.

اما همین که کشتی از ساحل دور شد، ناگهان خداوند باد شدیدی وزانید و دریا را متلاطم ساخت بطوری که نزدیک بود کشتی غرق شود. ملوانان از ترس جان خود، هر کدام از خدای خود کمک طلبیدند. آنها بارها را به دریا ریختند تا کشتی سبک شود. در تمام این مدت، یونس با خیال راحت در انبار کشتی خوابیده بود!

خداوند کشتی نزد او رفت و فریاد زد: «چرا در این موقعیت خطرناک بی خیال خوابیده‌ای؟ برخیز و نزد خدای خود فریاد برآور تا شاید به ما رحم کرده، ما را نجات دهد!»

آنگاه کارکنان کشتی تصمیم گرفتند قرعه بیندازند تا ببینند کدام یک از آنها خدایان را به خشم آورده و باعث این طوفان وحشتناک شده است. قرعه به نام یونس افتاد.

آنها از او پرسیدند: «به ما بگو به چه علت این بلا بر ما عارض شده است؟ تو کیستی؟ کارت چیست؟ اهل کجایی؟ از چه قومی هستی؟»
 یونس گفت: «من عبرانی هستم و خداوند، خدای آسمان را که زمین و

۵:۱

۱ پاد ۲۶:۱۸

اش ۱۷:۴۴-۲۰

اعما ۲۷:۱۸ و ۱۹:۳۸

۶:۱

مز ۱۰۷:۲۸

ار ۲۸:۲

۷:۱

داو ۲۰:۹ و ۱۰

استر ۳:۷

امت ۱۶:۳۳

۸:۱

پیدا ۴۷:۳

۹:۱

پیدا ۱۰:۹ و ۱۰

عز ۲۱:۵ ؛ ۲۱:۵

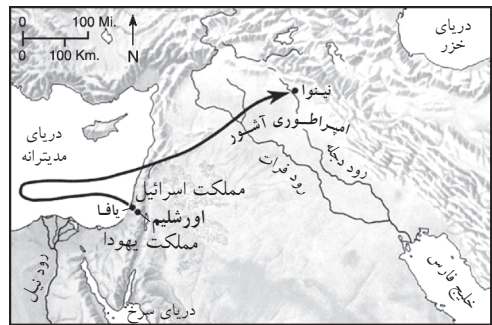
نخ ۱:۴ ؛ ۱:۶

۴:۱ ناطاعتی یونس از خدا زندگی خدمه کشتی را به خطر انداخت. ما شدیداً مسؤولیم که از خدا اطاعت کنیم، زیرا گناه و ناطاعتی ما به اطرافیان ما لطمه خواهد زد.

۵ و ۶:۱ در همان حال که طوفان می‌غرید، یونس با خیال راحت در انبار کشتی در خواب بود. گرچه او از خدا می‌گریخت، اما گویا وجدانش معذب نبود. نداشتن عذاب وجدان همیشه نشانه این نیست که کارمان درست است. انسان قادر است واقعیت را انکار کند؛ از این رو، نمی‌توانیم اطاعت خود را به کمک احساساتمان بسنجیم. زندگی خود را باید با معیارهای کلام خدا مورد سنجش قرار دهیم.

۷:۱ کارکنان کشتی قرعه انداختند تا شخص مقصر را بیابند؛ ایشان برای دریافت پاسخ، به خرافات خود متوسل شدند. اما این بار خرافات ایشان عمل کرد، فقط به این سبب که خدا در آن دخالت نمود. خدا می‌خواست به یونس بفهماند که نمی‌تواند از او بگریزد.

۹-۱۲:۱ انسان نمی‌تواند به دنبال محبت خدا باشد و در عین حال، از او بگریزد. یونس خیلی زود دریافت که هر جا برود، نمی‌تواند از خدا بگریزد. اما یونس اگر می‌خواست به سوی خدا باز گردد، نخست می‌بایست از فرار از او دست بردارد. خدا از شما چه خواسته است؟ اگر خواهان محبت و قدرت بیشتری از خدا هستید، باید مشتاق باشید که مسؤولیتی را که او بر عهده شما گذارده است، عملی سازید. نمی‌توانیم بگوییم که به راستی به خدا ایمان داریم، اما به آنچه او گفته است عمل نکنیم.



سفر دورانی یونس

خدا به یونس فرمود که به نینوا، پایتخت امپراطوری آشور برود. بسیاری از هموطنان یونس آماج خشونت‌های این مردم وحشی شده بودند. هیچگاه به فکر یونس خطور نمی‌کرد که برای بشارت به نینوا برود. از این رو در جهت مخالف آن شروع به سفر کرد. او در یافا سوار کشتی‌ای شد که به ترشیش واقع در اسپانیا می‌رفت. اما یونس نمی‌توانست از خدا بگریزد.

۴:۱ قوم اسرائیل پیش از استقرار در سرزمین موعود، قومی بیابانگرد بودند. آنان از جایی به جایی دیگر می‌رفتند و در جستجوی چراگاه‌های نیکو برای گله‌های خویش بودند. گرچه ایشان دریانورد نبودند، اما محل زندگی‌شان در کناره‌های دریای مدیترانه و مجاورتشان با ملت‌های نیرومند دریانورد، یعنی فنیقیه و فلسطین، باعث تماس آنان با کشتی و کشتیرانان گردید. آن کشتی که یونس سوارش شد، احتمالاً یک کشتی بازرگانی بود که عرشه داشت.

دریا را آفرید می‌پرستم.» سپس به ایشان گفت که از حضور خداوند فرار کرده است. آنها وقتی این را شنیدند بسیار ترسیدند و گفتند: «چرا این کار را کردی؟»

^{۱۱}تلاطم دریا هر لحظه زیادتر می‌شد، پس به او گفتند: «با تو چه کنیم تا طوفان آرام شود؟»

^{۱۲}یونس گفت: «مرا به دریا بیندازید و دریا دوباره آرام می‌شود؛ چون می‌دانم این طوفان وحشتناک بسبب من دامنگیر شما شده است.»

^{۱۳}ملوانان کوشش کردند کشتی را به ساحل برسانند، ولی موفق نشدند. طوفان شدیدتر از آن بود که بتوان با آن دست و پنجه نرم کرد! ^{۱۴}پس آنها به رسم خودشان نزد خداوند، خدای یونس دعا کرده، گفتند: «ای خداوند، ما را برای مرگ این شخص هلاک نکن و ما را مسئول مرگ او ندان؛ زیرا همه اینها خواست تو بوده است.»

^{۱۵}آنگاه یونس را برداشته، او را به دریای خروشان انداختند و طوفان قطع شد!

^{۱۶}آنها از خداوند ترسیدند و قربانی تقدیم او نمودند و نذرها کردند.

^{۱۷}همان موقع خداوند ماهی بزرگی فرستاد و ماهی یونس را بلعید و یونس سه روز و سه شب در شکم ماهی ماند.

۱۲:۱
یو ۵۰:۱۱

۱۵:۱
مز ۹:۸۹
مر ۳۴:۴

۱۶:۱
پی ۲۰:۲۸
مز ۱۴۰:۳:۶۶

۱۷:۱
یونس ۱:۱؛ ۱:۲

را به‌سوی خود هدایت فرماید. پذیرفتن گناهان خویش گرچه امری است دردناک، اما می‌تواند الگویی نیرومند باشد برای آنان که خدا را نمی‌شناسند. چه طعنه‌آمیز است که ملوانان بت‌پرست کاری را کردند که تمامی ملت اسرائیل حاضر به انجامش نبودند: آنان به درگاه خدای یگانه دعا کردند و عهد کردند که او را خدمت کنند.

۱۷:۱ بسیاری کوشیده‌اند که این رویداد معجزه‌آسا را به‌گونه‌ای رد کنند و آن را رؤیا یا افسانه معرفی نمایند، اما کتاب مقدس آن را اینچنین معرفی نمی‌کند. ما هرگز نباید این معجزه را منکر شویم، گویی اجازه داریم انتخاب کنیم که کدامیک از معجزات کتاب مقدس قابل اعتماد است و کدامها نیست. چنین طرز فکری سبب می‌شود که به خود اجازه دهیم هر بخشی از کتاب مقدس را که به‌نظرمان منطقی نمی‌آید مورد تردید قرار دهیم؛ به این شکل، اعتماد خود را به کتاب مقدس به‌عنوان کلام راستین و قابل اعتماد خدا از دست می‌دهیم. خود عیسی مسیح از تجربه یونس استفاده کرد تا مرگ و قیام خود را توضیح دهد (متی ۱۲:۳۹ و ۴۰).

۱۲:۱ یونس می‌دانست که از خدا ناطاعتی کرده و اینکه طوفان به‌علت تقصیر او رخ داده است؛ اما در این باره چیزی نگفت تا آنکه قرعه به نام او افتاد (۷:۱). آنگاه حاضر شد زندگی خود را فدا کند تا جان ساکنان کشتی را نجات دهد (اما حاضر نشده بود همین کار را برای نجات مردم نینوا انجام دهد). نفرت یونس از آشوریان بر نگرش او تأثیر گذاشته بود.

۱۳:۱ ملوانان کوشیدند جان یونس را نجات دهند و با این عمل، نشان دادند که رحم و مروتشان بیش از یونس است، زیرا او نخواست به‌دست مردم نینوا از داوری قریب‌الوقوع خدا آگاه سازد. گاه بی‌ایمانان بیش از ایمانداران توجه و شفقت نشان می‌دهند؛ این باید باعث شرمساری ایمانداران گردد. خدا می‌خواهد که ما نسبت به همه انسان‌ها رحمت و توجه نشان دهیم، چه خداشناس باشند چه رستگار.

۱۴-۱۶:۱ یونس از خدا نافرمانی کرده بود. اما در حین گریز، تسلیم اراده خدا شد و کارکنان کشتی شروع به عبادت خدا کردند چرا که دیدند طوفان آرام گرفت. خدا قادر است حتی از اشتباهات ما استفاده کند تا دیگران

یونس در شکم ماهی دعا می کند

۲ آنگاه یونس از شکم ماهی نزد خداوند، خدای خود دعا کرده گفت:
 «به هنگام سختی، خداوند را خواندم و او مرا اجابت فرمود. از عالم مرگ فریاد برآوردم و تو ای خداوند، به داد من رسیدی! مرا به اعماق دریا انداختی. در سیلابها غرق شدم و امواج خروشان مرا پوشانید. به خود گفتم که مرا از نظر خود دور انداخته‌ای و دیگر نمی‌توانم خانه مقدست را ببینم.

۵ «در امواج دریا فرو رفتم. مرگ بسیار نزدیک بود. آنها مرا احاطه کردند و علفهای دریا دور سرم پیچیدند. عتا عمق کوهها فرو رفتم. درهای زندگی به رویم بسته شد و در دیار مرگ زندانی شدم. ولی ای خداوند، خدای من، تو مرا از چنگال مرگ رهانیدی!

۷ «وقتی که تمام امید خود را از دست داده بودم، بار دیگر تو را ای خداوند به یاد آوردم و دعای قلب من در خانه مقدست به حضور تو رسید.

۸ «کسانی که بتهای باطل را می‌پرستند از پیروی تو برگشته‌اند، اولی من با سرودهای تشکر برای تو قربانی خواهم کرد و نذر خود را به تو ادا خواهم نمود. نجات فقط از جانب خداوند است.»

۱۰ آنگاه خداوند به ماهی امر فرمود که یونس را از دهان خود به ساحل بیاندازد و ماهی چنین کرد.

۱:۲

مز ۱:۱۳۰

یونس ۱۷:۱

۲:۲

مز ۲۴:۲۲ ؛ ۶-۴:۱۸

۳:۲

مز ۷:۴۲

۴:۲

۱ پاد ۳۸:۸

مز ۷:۵

مز ۱:۷۷-۷

اش ۱۴-۱۰:۳۸

۵:۲

مراثی ۵۴:۳

۶:۲

مز ۳:۳۰ ؛ ۶:۶۵

اش ۱۲:۴۰ ؛ ۱۷:۳۸

۷:۲

توا ۲۷:۳۰

مز ۶:۱۸ ؛ ۳:۱۴۲

۹:۲

لاو ۱:۲۷-۳۳

تث ۲۱:۲۳

مز ۱۴:۵۰ ؛ ۲۰:۶۸

به خدا باشد؛ آنگاه زندگی روحانی نیرومندی خواهید داشت.

۹:۲ یونس در موقعیتی نبود که بتواند با خدا جر و بحث کند. او فقط از خدا سپاسگزار بود که او را از مرگ رهانیده است. مشکلات باید سبب شوند که محکم‌تر به خدا بچسبیم، نه اینکه بکوشیم راه و روش خود را به خدا تحمیل کنیم. باید او را برای رحمت و محبتش و آنچه که تا به حال برایمان کرده است، شکر کنیم و بستاییم.

۹:۲ برای اینکه یونس مطابق فرمان خدا عمل کند، معجزه‌های رهایی‌بخش و شگرف لازم بود. او در مقام نبی، موظف بود از کلام خدا اطاعت کند، اما او کوشید از مسؤلیت خود شانه خالی کند. او اینک قول می‌دهد که به عهد خود وفا کند. ماجرای یونس با یک فاجعه آغاز شد؛ اما اگر خدا اجازه می‌داد که او به فرار خود ادامه دهد، فاجعه‌ای بس بزرگ‌تر روی می‌داد. وقتی می‌دانید که خدا شما را به انجام کاری فرا می‌خواند، از او نگریزید. شاید خدا مانع فرارتان نشود، آنگونه که مانع یونس شد.

۲:۱۱ ب این دعایی است برای سپاسگزاری، نه برای درخواست رهایی. یونس فقط خدا را شکر می‌کرد که غرق نشده است. رهایی او بسیار حیرت‌انگیز و تماشایی بود؛ او بسیار حیران بود که اینچنین از مرگ حتمی رسته است. خدا دعای یونس را حتی از درون آن ماهی بزرگ شنید. هر جا و هر زمان که دست به دعا بر داریم، خدا آن را می‌شنود. برای خدا هیچ گناهی بیش از حد بزرگ نیست و هیچ گرفتاری بیش از حد مشکل.

۱-۲:۷ یونس گفت: «وقتی که تمام امید خود را از دست داده بودم، بار دیگر تو را، ای خداوند، به یاد آوردم» (۷:۲). ما نیز اغلب چنین هستیم. آنگاه که زندگی بر وفق مراد است، حضور خدا را امری بدیهی می‌پنداریم؛ اما چون امید خود را از دست می‌دهیم، به‌سوی او فریاد بر می‌آوریم. این گونه رابطه با خدا ثمری نخواهد داشت جز زندگی روحانی بی‌ثبات و پرفراز و نشیب. سرسپردگی دائمی و روزانه به خدا سبب می‌گردد که رابطه‌ای استوار با او داشته باشیم. چه در رفاه و چه در سختی، نگاهتان

۲- یونس رسالت خود را به انجام می‌رساند یونس در نینوا موعظه می‌کند

آنگاه خداوند بار دیگر به یونس فرمود: ^۲ «به شهر بزرگ نینوا برو و همانطور که به تو گفتم، به آنها هشدار بده که سرنوشت شومی در انتظار آنهاست!»

^۳ یونس اطاعت کرده، به نینوا رفت. نینوا شهر بسیار بزرگی بود بطوری که سه روز طول می‌کشید تا کسی سراسر آن را ببیند. ^۴ یونس وارد شهر شد و پس از طی یک روز راه شروع به موعظه کرده، گفت: «بعد از چهل روز نینوا ویران خواهد شد!» ^۵ اهالی شهر حرفهایش را باور کرده، به همه اعلان کردند که روزه بگیرند؛ و همه، از بزرگ تا کوچک، پلاس پوشیدند.

^۶ هنگامی که پادشاه نینوا شنید که یونس چه گفته است از تخت خود پایین آمده، لباس شاهانه را از تن درآورد و پلاس پوشیده، در خاکستر نشست. ^۷ پادشاه و بزرگان دربار او این پیغام را به سراسر شهر فرستادند: «نه مردم و نه حیوانات، هیچکدام نباید چیزی بخورند و حتی آب بنوشند. ^۸ همه مردم باید پلاس پوشیده، به درگاه خداوند التماس کنند و از راههای بد خود بازگشت نموده، از اعمال زشت خود دست بکشند. ^۹ کسی چه می‌داند، شاید خداوند از خشم خود برگردد و بر ما ترحم کرده، ما را از بین نبرد.»

۲:۳

ار ۱۷:۱

حز ۷:۲؛ ۱۷:۳

متی ۸:۳

۳:۳

یونس ۱:۴؛ ۲:۱؛ ۱۱:۴

۴:۳

۲ پاد ۲۰:۱؛ ۶

۲ تو ۲۰:۳

عز ۲۱:۸

دان ۳:۹

متی ۱۲:۴۱

لو ۱۱:۳۲

۷:۳

۲ تو ۱۰:۱-۱۳:۰

۸:۳

مز ۱۳۰:۲

اش ۱۶:۱-۱۹

یونس ۱:۱۴؛ ۳:۱

اعما ۱۹:۳

۹:۳

۲ سمو ۱۲:۲۲

یول ۱۴:۲

و هلاکت به قدرتمندترین شهر جهان. این مأموریت چندان خوشایند نبود، اما آنانی که کلام خدا را اعلام می‌کنند، نباید اجازه دهند که مسیرشان را فشارهای اجتماعی یا ترس از مردم تعیین کند. ایشان فرا خوانده شده‌اند تا پیام خدا و حقایق الهی را موعظه کنند، حتی اگر مورد پسند مردم نباشد.

۳:۳ متن عبری تفاوتی میان شهر اصلی (که محیط دیوارهایش حدود ۱۴ کیلومتر بود و جمعیتی حدود ۱۷۵,۰۰۰ نفر را در خود جای می‌داد) و حوزه اداری شهر نینوا (که گستره‌ای بین ۴۵ تا ۷۵ کیلومتر داشت) قائل نمی‌شود.

۴:۳ پیغام خدا برای همه است. مردم شهر با وجود شرارتشان، دلشان به روی پیغام خدا باز بود و بلافاصله توبه کردند. اگر آنچه را که از خدا می‌دانیم به‌سادگی بازگو کنیم، با کمال تعجب خواهیم دید که مردم چقدر استقبال می‌کنند.

۲۱:۳ یونس فرمان خدا را نادیده گرفته بود و علیه او سر به شورش گذارده بود، اما خدا هنوز نسبت به او رحمت و شفقت نشان می‌داد. وقتی احکام خدا را نادیده می‌گیریم، او ممکن است ما را تنبیه کند؛ اما اگر از گناهانمان روی بگردانیم و از او فرمان ببریم، ما را مورد رحمت و بخشایش خود قرار خواهد داد.

۲۱:۳ یونس از خدا گریخت، اما خدا به او فرصت دیگری داد تا در کار او شراکت جوید. شاید احساس کنیم که به علت اشتباهات گذشته‌مان، دیگر لایق خدمت به خدا نیستیم. اما خدمت به خدا مقامی نیست که بخواهیم شایستگی رسیدن آن را به‌دست آوریم. هیچیک از ما شایستگی و کفایت خدمت به خدا را ندارد، با این حال او ما را فرا خوانده تا بخشی از کار او را انجام دهیم.

۲۱:۳ یونس فقط می‌بایست آن پیامی را موعظه کند که خدا به او می‌گفت، یعنی اعلام پیام نابودی

۱ وقتی خدا دید آنها از راههای بد خود دست کشیده‌اند بر آنها ترحم کرده، بلایی را که گفته بود بر ایشان نفرستاد.

رحمت خدا باعث خشم یونس می‌شود

۴ اما یونس از این موضوع ناراحت و خشمگین شد. ^۲ او نزد خداوند دعا کرد و گفت: «خداوندا، وقتی در مملکت خود بودم و تو به من گفتی به اینجا بیایم، می‌دانستم که تو از تصمیم خود منصرف خواهی شد، زیرا تو خدایی مهربان و بخشنده هستی و دیر غضبناک می‌شوی و بسیار احسان می‌کنی. برای همین بود که خواستم به ترشیش فرار کنم.

۳ «خداوندا، اینک جانم را بگیر، زیرا برای من مردن بهتر از زنده ماندن است.»
۴ آنگاه خداوند به وی فرمود: «آیا درست است که از این بابت عصبانی شوی؟»

۱۰:۳

۱ یاد ۲۷:۲۹-

۸:۱۸ ار

۲:۴

۷:۲۰ ار

۹و۸:۱۱ هو

۳:۴

۴:۱۹ یاد

۹و۸:۶ او

۱:۴ یونس خشمگین بود از اینکه خدا مردم نینوا را به هلاکت نرسانیده بود. او از یاد برده بود که خدا گناه نافرمانی خود او را بخشیده و از مرگ رهایی‌اش داده بود. چقدر بهتر می‌بود که او از توبه گناهکاران شاد می‌شد (ر.ش. لوقا ۱۵:۱۰)!

۲و۱:۴ یونس در اینجا دلیل بی‌میلی خود را برای رفتن به نینوا آشکار می‌سازد (۳:۱). او نمی‌خواست که مردم نینوا مورد بخشش قرار گیرند؛ او می‌خواست ایشان به هلاکت برسند. یونس درک نمی‌کرد که خدای قوم اسرائیل خدای تمام جهان نیز هست. آیا وقتی شخصی که انتظارش نمی‌رود، به‌سوی خدا می‌آید، تعجب می‌کنید؟ آیا علتش این نیست که شما نیز مانند یونس تنگ‌نظرانه به مسأله می‌نگرید؟ این را نباید فراموش کنیم که در حقیقت هیچ‌یک از ما شایسته بخشایش الهی نیست.

۳:۴ یونس از وظیفه الهی خود برای اعلام پیام هلاکت نینوا گریخته بود (۲:۱)؛ اینک آرزوی مرگ می‌کرد زیرا این هلاکت لغو شده بود. یونس چقدر زود رحمت خدا را نسبت به خویش آنگاه که در شکم ماهی بود، از یاد برد (۱۰:۲)؟! وقتی خدا رهایی‌اش داد، شاد شد؛ اما وقتی خدا نینوا را رهایی داد، به خشم آمد. اما یونس می‌رفت تا درسی ارزشمند در باره رحمت خدا و بخشایش او بیاموزد. بخشایش و مغفرت الهی فقط مختص یونس یا قوم اسرائیل نبود، بلکه شامل همه آنانی می‌گردد که توبه کنند و ایمان آورند.

۳:۴ یونس بیشتر به فکر شهرت خودش بود تا جلال خدا. او می‌دانست که اگر مردم توبه کنند، هیچ‌یک از هشدارهایش به نینوا جامه عمل نخواهد پوشید. این باعث سرافکنندگی او می‌شد، گرچه خدا را جلال می‌داد. آیا جلال یافتن خدا برایتان مهم تر است یا کسب افتخار برای خودتان؟

۱۰:۳ مردم بت‌پرست نینوا به پیام یونس ایمان آوردند و توبه کردند. کلام خدا چه تأثیر معجزه‌آسایی بر این مردم بدکار داشت! توبه ایشان درست در نقطه مقابل سرسختی و لجاجت قوم اسرائیل قرار داشت. مردم اسرائیل پیامهای بسیاری از انبیا می‌شنیدند، اما هرگز حاضر به توبه نمی‌شدند. مردم نینوا لازم داشتند که فقط یک بار کلام خدا را بشنوند. عیسی فرمود که در روز داوری، اهالی نینوا بر خواهند خاست و مردم اسرائیل را به‌سبب ناتوبه کاری‌شان محکوم خواهند ساخت (متی ۱۲:۳۹-۴۱). شنیدن کلام خدا باعث خشنودی او نمی‌شود، بلکه پاسخ مثبت و اطاعت از آن.

۱۰:۳ خدا از روی رحمت خویش، مجازاتی را که هشدارش را داده بود، لغو فرمود. خدا خودش فرموده بود که هر ملتی که توبه کند، از مجازاتی که انتظارشان را می‌کشد، رهایی خواهد یافت (ارمیا ۷:۱۸-۱۰). خدا نینوا را بخشید، همانگونه که یونس را بخشیده بود. قصد خدا از داوری، اصلاح است نه انتقام. او همواره آماده است تا همه جویندگان خود را مورد رحمت قرار دهد.

۱:۴ چرا وقتی خدا مردم نینوا را مورد مغفرت قرار داد، یونس به خشم آمد؟ در روزگار یونس، یهودیان مایل نبودند کلام خدا را با غیر یهودیان در میان بگذارند؛ در روزگار پولس رسول نیز چنین بود (۱ تسالونیکیان ۲:۱۴-۱۶). آنان رسالت اولیه خود را از یاد برده بودند که همانا رساندن برکت خدا بود به سایر ملل جهان از طریق اعلام کلام او (پیدایش ۱۸:۲۲). یونس بر این تصور بود که خدا نمی‌بایست رستگاری را به‌رایگان در اختیار ملتی بت‌پرست قرار دهد. اما این درست همان کاری است که خدا امروز برای تمام آنانی انجام می‌دهد که با ایمان به نزدش می‌آیند.

۵ یونس از شهر خارج شده، بطرف شرق رفت. در خارج از شهر برای خود سایبانی ساخته، زیر سایه آن منتظر نشست تا ببیند بر سر شهر چه می آید. ۶ آنگاه خداوند بسرعت گیاهی رویانید و برگهای پهن آن را بر سر یونس گسترانید تا بر او سایه بیندازد و به او راحتی ببخشد. یونس از سایه گیاه بسیار شاد شد. ۷ اما صبح روز بعد خدا کرمی بوجود آورد و کرم ساقه گیاه را خورد و گیاه خشک شد. ۸ وقتی که آفتاب برآمد و هوا گرم شد، خداوند بادی سوزان از جانب شرق بر یونس وزانید و آفتاب چنان بر سر او تابید که بی تاب شده، آرزوی مرگ کرد و گفت: «برای من مردن بهتر از زنده ماندن است.» ۹ آنگاه خداوند به یونس فرمود: «آیا از خشک شدن گیاه باید عصبانی شوی؟» یونس گفت: «بلی، باید تا به حد مرگ هم عصبانی شوم.» ۱۰ خداوند فرمود: «برای گیاهی که در یک شب به وجود آمد و در یک شب از بین رفت دلت سوخت، با آنکه برایش هیچ زحمتی نکشیده بودی!» ۱۱ پس آیا دل من برای شهر بزرگ نینوا نسوزد که در آن بیش از صد و بیست هزار بچه معصوم و بی گناه، و نیز حیوانات بسیار وجود دارد؟»

۷:۴
یول ۱۲:۱
۸:۴
اش ۱۰:۴۹
جز ۱۲:۱۹
هو ۱۵:۱۳
مکا ۱۶:۷

۱۱:۴
یونس ۱۰:۳

		معجزات کتاب یونس
۴:۱	خدا طوفانی عظیم پدید آورد	
۱۷:۱	خدا ترتیبی داد که ماهی بزرگی یونس را بلعد	
۱۰:۲	خدا فرمان داد که ماهی یونس را قی کند	
۶:۴	خدا گیاهی رویاند که برای یونس سایه فراهم سازد	
۷:۴	خدا کرمی فرستاد تا گیاه را بزند	
۸:۴	خدا فرمان داد تا بادی سوزان بر یونس بوزد	

آن است که بتوان فکرش را کرد. او نسبت به گناهکارانی که ما آرزوی داوری شان را داریم احساس شفقت می کند و تدبیرهایی می اندیشد که ایشان را به سوی خود هدایت کند. احساس شما نسبت به کسانی که خیلی شیرینند چیست؟ آیا آرزوی هلاکتشان را دارید؟ یا آرزو می کنید که می توانستند رحمت و بخشایش الهی را تجربه کنند؟

۱۱:۴ خدا ملوانان را نجات داد زیرا از او طلب رحمت کردند. خدا یونس را رهایی داد زیرا از شکم ماهی نزد او دعا کرد. خدا مردم نینوا را نجات داد زیرا به موعظه یونس پاسخ مثبت دادند. خدا دعاهای آنانی را که او را می خوانند پاسخ می دهد. خدا همیشه اراده اش را عملی می سازد، و آرزو دارد که همه نزدش بیایند و به او توکل کنند و نجات بیابند. اگر به هشدارهایی که خدا از طریق کلامش می دهد توجه کنیم، می توانیم رستگار شویم. اگر از او فرمان ببریم، او رحیم خواهد بود، و به جای داوری، از رحمتش برخوردار خواهیم گردید.

۱۰-۶:۴ خدا با ملایمت به یونس درس آموخت، همانطور که به نینوا و اسرائیل آموخت، و امروز نیز به ما می آموزد. خدا می توانست یونس را به سبب خشم گستاخانه اش هلاک کند، اما به جای آن، به او درسهایی داد. اگر از کلام خدا اطاعت کنیم، او با ملایمت ما را هدایت خواهد کرد. داوری شدید او برای آنانی نگه داشته شده که در نافرمانی اصرار می ورزند.

۹:۴ یونس از پژمردن یک گیاه خشمگین شد، اما نه از آنچه که می توانست بر سر نینوا بیاید. اکثریت ما به خاطر مرگ یک حیوان خانگی یا شکستن شیئی خاطره انگیز گریسته ایم، اما آیا بر این گریسته ایم که دوستی از دوستانمان خدا را نمی شناسد؟ چه آسان است که به منافع خودمان حساس تر باشیم تا به نیازهای روحانی مردم دور و برمان.

۱۱ و ۱۰:۴ گاه مردم آرزو می کنند که داوری و هلاکت خیلی سریع بر سر افراد شریر نازل شود، بر سر آنانی که شرارتشان نیازمند مجازاتی آنی است. اما خدا رحیم تر از